



Survey the role of good governance in managing the water crisis of the Zayandeh Rood river

Elham Khosravipour

M.A in Human Resource Management, Azad University of Shushtar, Khuzestan, Iran.

*Corresponding Author email: khosravipour1400@gmail.com

© The Author(s) 2023

Received: 28 Aug 2023

Accepted: 11 Oct 2023

Published: 14 Oct 2023

Abstract

Many countries around the world are facing important problems in the field of water resources management. Due to reasons such as corruption, lack of civil society and inefficiency of the administrative structure in developing countries, and issues such as unsustainable consumption patterns, excessive use of resources, etc., have made the water governance system face challenges in industrialized or developed countries. In Iran, the problem of water shortage has become critical, serious and widespread, which has involved many sectors, including economy, society, environment, agriculture, etc. Because water governance refers to all the activities that are involved in the policy-making and decision-making process regarding the development and management of water resources, and It also represents a change in government-society relations in countries that have fundamentally developed water-related activities, Therefore, according to the current conditions and the global water crisis, the necessity of a fundamental change in the management of water resources is inevitable. The results of the research show that the water crisis in Iran, especially in the case of the Zayandeh River, is caused by the lack of water management and neglect of the role of water governance. On the other hand, good governance, as a type of governance that guarantees public welfare and individual rights, has indicators that are considered as the basic foundations needed to evaluate the state of water governance in each region. The Zayandeh River of Isfahan, has experienced an intensification of the drying process every year more than the previous year, which has had several consequences, and the solution to the water crisis in this region is to transition to good governance, efficient and compatible with historical, cultural, social and economic conditions of the region. This article was prepared in a review method with the help of library and internet sources, and its purpose is to examine the role of good governance in managing the water crisis of the Zayandeh Rood River in Isfahan.

Keywords: Zayandeh Rood, Isfahan, Water crisis, Water governance



بررسی نقش حکمرانی خوب در مدیریت بحران آب رودخانه زاینده‌رود

الهام خسروی پور

گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر، خوزستان، ایران.

*ایمیل نویسنده مسئول: khosravipour1400@gmail.com

© The Author(s) 2023

چاپ: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

چکیده

کشورهای زیادی در سراسر دنیا با مشکلات مهمی در زمینه مدیریت منابع آب روبه‌رو شده‌اند. کشورهای در حال توسعه به دلایلی مانند فساد، فقدان جامعه مدنی و ناکارایی ساختار اداری و در کشورهای صنعتی یا توسعه یافته مسایلی مانند الگوی مصرف ناپایدار، استفاده بیش از حد از منابع و ... نظام حکمرانی آب را با چالشهایی روبه‌رو ساخته است. در ایران نیز مشکل کم آبی به شکلی بحرانی، جدی و فراگیر شده که بسیاری از بخش‌ها اعم از اقتصاد، اجتماع، محیط زیست، کشاورزی و ... را درگیر ساخته است. از آنجا که حکمرانی آب به همه‌ی فعالیت‌هایی که در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره‌ی توسعه و مدیریت منابع آب نقش دارند اطلاق می‌شود و بیانگر یک تغییر در مناسبات دولت - جامعه در کشورهایی است که فعالیت‌های مرتبط با آب را به شکل اساسی توسعه داده‌اند، باتوجه به شرایط موجود و بحران آب جهانی، ضرورت یک تغییر اساسی در مدیریت منابع آب اجتناب‌ناپذیر است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بحران آب در ایران خصوصاً در مورد رودخانه زاینده‌رود در کنار سایر عوامل، ناشی از عدم مدیریت آب و بی‌توجهی به نقش حکمرانی آب است. از سویی حکمرانی خوب به عنوان نوعی از حکمرانی که رفاه عمومی و حقوق فردی را توأمان تضمین می‌کند شاخص‌هایی دارد که به عنوان پایه‌های اساسی موردنیاز ارزیابی وضعیت حکمرانی آب در هر منطقه به شمار می‌روند. پرآب‌ترین رودخانه‌ی فلات مرکزی ایران، رودخانه‌ی زاینده‌رود اصفهان، هرسال بیشتر از سال قبل دچار تشدید روند خشک شدن بوده که پیامدهای متعددی داشته و چاره‌ی بحران آب در این منطقه، گذار به حکمرانی خوب، کارآمد و سازگار با شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه است. هدف مقاله حاضر که به روش مروری و با کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تهیه شده، بررسی نقش حکمرانی خوب در مدیریت بحران آب رودخانه زاینده‌رود اصفهان است.

کلمات کلیدی: زاینده‌رود، اصفهان، بحران آب، حکمرانی آب

بسیاری از کشورها در کل دنیا با چالش‌های مهمی در مدیریت منابع آب به دلایل صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی و اثر تغییر اقلیم روبرو شده‌اند که دسترسی به منابع آب در سراسر جهان را با نارضایتی و کشمکش در بین گروه‌های مختلف اجتماعی همراه کرده است. بعضی از این عوامل کشمکش در زمان‌های مختلف، باعث ایجاد اختلاف می‌شوند. ضروری است که دولت‌ها به دنبال الگوی نوینی در جهت تعامل و مشارکت سازنده با نهادهای مدنی و بخش خصوصی در جهت رشد اقتصادی باشند که تدارکات موفقیت آمیز این نهادها اغلب به عنوان حکمرانی خوب یاد می‌شود. حکمرانی می‌تواند ساختارهای مختلف داشته باشد، برای مثال جهت استقرار حقوق دارایی‌ها، قوانین و مقررات به کار رود. بیشتر قوانین عمومی در کالیفرنیا با هدف ایجاد حوضه‌ی آب‌های زیرزمینی برنامه ریزی شده است، یا در جنوب آفریقا در پایان حکومت آپارتاید حکمرانی باعث تغییرات قابل توجهی در قوانین آب شد. موارد زیادی در مورد تاثیر حکمرانی آب بر روی حکمرانی خارجی وجود دارد. بهترین مثال شناخته شده این مورد، توسعه همکاری هلند در بخش آب در اوایل قرن بیستم بوده است که نقش مهمی در زیرساخت رفاهی دولت مدرن هلند جهت ساخت کشور ایفا کرد (Dehghani et al., 2020). امروز وضعیت آب در ایران به مرز اضطراب رسیده و کسری آن بالغ بر ۴۰ میلیارد متر مکعب شده است؛ البته استان‌هایی مانند فارس، سیستان و بلوچستان، اصفهان، کرمان، یزد و... بیشتر و زودتر از سایر مناطق کشور به مرز بحران و اضطراب در آب رسیده‌اند. چنانچه در این باره چاره‌اندیشی نشود، در آینده‌ی نزدیک رقابت بر سر آب، اختلافات قومی در کشور را در قالب درگیری‌های استانی و منطقه‌ای تشدید خواهد کرد. خطرناکتر از همه اینکه بی‌آبی، تداوم زندگی انسانی، کشاورزی و حیات زیست محیطی را به بن بست خواهد کشانید (Esmaeili, 2020). در ایران، تشدید مشکل کم‌آبی، پیچیدگی و تعدد جنبه‌های این مشکل، نشان از این واقعیت دارد که راهکارهای پیشین برای اداره‌ی منابع محدود آب کشور، از تنوع لازم برخوردار نبوده است. این موضوع، متولیان امور آب کشور را وادار ساخته است تا رویکردهای گذشته در زمینه‌ی مدیریت منابع آب کشور را مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار دهند. بنابراین، در شرایط موجود مدیریت منابع آب در معرض یک تغییر اساسی قرار گرفته است که می‌بایست از رویکردهای مبتنی بر اصول مهندسی صرف که تنها بر تأمین آب تکیه دارد به رویکردهایی که به‌طور عمده بر مدیریت تقاضای آب استوار است، تغییر موضع دهد. بدیهی است که این امر با ایجاد تغییرات هدفمند در راستای استقرار نظام حکمرانی کارآمد منابع آب در کشور امکانپذیر است. بنا بر عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران بخش آب، تنها در سایه‌ی اصلاح ساختار حکمرانی موجود است که می‌توان امید داشت مشکلات بخش آب تا حدودی کاهش یابد. چاره‌ی بحران آب در شناخت ابعاد مختلف حکمرانی موجود و گذار به حکمرانی کارآمد، متناسب و سازگار با شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه نهفته است و راهکاری از پیش تعیین شده و نسخه‌ی واحد برای خروج از این شرایط وجود ندارد. از طرف دیگر، حل مشکل نیز تنها در قالب وظایف دولت و یا مسئولیت یک سازمان امکانپذیر نیست. به عبارتی، مواجهه با بحران آب نیازمند فهم مشترک از مشکل، اقدام جمعی ذی‌نفعان و یادگیری اجتماعی در عمل است. مطالعات حکمرانی آب در ایران هنوز در مراحل اولیه است و راهی طولانی در نهادینه سازی اهمیت این نوع بررسی‌ها و بالتبع اصلاحات نهادی متناظر در پیش رو است (Yadegari et al., 2018).

در هر برهه تاریخی دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده‌اند و همیشه، چگونگی حکومت کردن مورد توجه اندیشمندان سیاسی، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حقوق عمومی بوده است. رهبران و مسئولان سیاسی نیز همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند یا کارآمد جلوه دهند. تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیشتر برای شهروندان اعلام می‌کنند. اندیشمندان حقوق عمومی و

علوم سیاسی نیز هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را ایجاد نظم و ثبات از طریق کارآمدی نهادی می‌دانند. با این وجود، ناکارآمدی نهادهای سیاسی از جمله موضوعاتی است که همواره مطرح بوده است. اندیشمندان برای برون رفت از این وضعیت گاهی دولت حداقلی و زمانی دیگر دولت حداکثری و امروزه هم بحث حکمرانی خوب را مطرح کرده‌اند. نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این باورند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است (Salmani et al., 2022). امروزه ارزش و جایگاه منحصربه‌فرد منابع آب در تأمین رفاه و بهزیستی جامعه، لزوم تداوم دسترسی به آب کافی و سالم برای همگان در هر زمان، و وجود پیوندهای قوی دوجانبه‌ی آب و توسعه، ضرورت پاسخگویی مناسب به نیازهای فزاینده و اصلاح ساختاری مدیریت منابع آب را گریزناپذیر کرده است. از ویژگی‌های حکمرانی ناسازگار و ناپایدار می‌توان به مدیریت بخشی مبتنی بر چانه‌زنی و تخصیص بالا به پایین، نبود آمار و اطلاعات مناسب و تأکید بر رویکردهای مهندسی و سخت‌افزاری اشاره کرد؛ بنابراین تدوین اصولی برای گذار به حکمرانی کارآمدتر در سطوح محلی، ملی و جهانی، امری ضروری است (Yousefi et al., 2017).

در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درستکار و مبتنی بر شایسته‌سالاری‌اند، قوانین و مقررات ساده و روشن‌اند، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی در تصرف گروه‌های ذی‌نفوذ نیست، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولت‌ها را ارتقا می‌دهند؛ درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها و رشد افزایش می‌یابند و امید به زندگی طولانی‌تر پدیدار می‌شود (Zahiri, 2015). حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی ایجاد می‌کند که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم دنبال شود. از سوی دیگر در خدمات دولتی نوین به جای اینکه حکومت‌ها صرفاً نقش هدایتی را عهده‌دار باشند و به عنوان محرک نیروهای بازار عمل کنند به توانمندسازی شهروندان و خلق ارزش‌های مشترک میان آن‌ها پرداخته و ایجاد ائتلافی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی را مورد توجه قرار می‌دهند که نتایجی نظیر پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، کارایی، اثربخشی، عدالت و انصاف را به دنبال دارد و در اتخاذ سیاست‌های پیشبینی شده، آشکار و صریح دولت، بروکراسی شفاف، پاسخگویی شفاف دستگاه‌های اجرایی، مشارکت فعال مردم در امور مختلف اجتماعی و سیاسی و همچنین برابری همه افراد در برابر قانون تبلور پیدا می‌کند (Perghan et al., 2022).

رودخانه‌ی زاینده‌رود به عنوان تنها رودخانه‌ی دائمی فلات مرکزی ایران، شریان حیاتی شهر اصفهان در طول تاریخ بوده است. این شهر اما امروزه در تأمین آب در بخش‌های آشامیدنی، کشاورزی و نیز محیط زیست به دلیل کمبود آب با مشکلاتی مواجه شده است. سایر پیامدهای خشک شدن زاینده‌رود به صورت کاهش رطوبت هوا، افزایش غبارات محلی و آلودگی هوا، افت سطح آب‌های زیرزمینی، خشک شدن تدریجی پوشش گیاهی و مراتع، کاهش فعالیت‌های کشاورزی و باغداری و در نهایت افزایش بیکاری و فقر اجتماعی به‌ویژه برای ساکنین اطراف رودخانه است. از سوی دیگر آسیب دیدن عامل مهم شکل‌گیری مفهوم اصفهان در ذهنیت مردم، از مهم‌ترین آسیب‌های وارده به ادراک مردم از منظر شهری اصفهان است که این شهر در دو دهه‌ی گذشته و به واسطه‌ی خشک شدن زاینده‌رود با آن دست به گریبان بوده است (Saberi & Mansouri, 2021). لذا باتوجه به مطالب بیان شده، مقاله‌ی حاضر در پی بررسی و پاسخگویی به این مساله است که آیا شاخص‌های حکمرانی خوب بر بحران آب رودخانه زاینده‌رود اثرگذار است؟

۲- ضرورت بررسی بحران آب در ایران

آب به عنوان ضروریترین ماده حیاتبخش اکوسیستم‌ها، پیش شرط هرگونه رفاه و اساسا زندگی موجودات محسوب می‌شود. امروزه پژوهشگران آب و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان از گمان به یقین رسیده‌اند که نحوه استفاده از منابع آب و چگونگی تقسیم آن یکی از عوامل بروز جنگ‌ها در اقصی نقاط جهان خواهد بود. برخی از کارشناسان دلایل بروز این بحران را دلایلی مانند بهره‌برداری بی‌رویه، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش جمعیت و غیره می‌دانند؛ اما در واقع حتی اگر کاهش نزولات جوی به عنوان یک علت در نظر گرفته نشود (علیرغم نظریاتی که آن را معلول افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین می‌داند)، می‌توان گفت تمام موارد مذکور خود به نوعی معلول بوده و با مدیریت صحیح قابل کنترل می‌باشند. علاوه بر این برخی صاحب‌نظران با ایجاد ارتباط بین کمبود آب شیرین و تهدید امنیت ملی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که در زمینه مدیریت آب و نزولات جوی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند معتقدند کمبود منابع آب شیرین، تنش و تهدید امنیت ملی در کشورهای منطقه خلیج فارس را تشدید کرده است (Zakeri Mahabadi et al., 2022).

نگاه عمیق به موضوع آب و بحران ناشی از آن نشان می‌دهد بیشتر مسائل پیش آمده در این زمینه ناشی از سیاست‌گذاری غیرصحیح، غیرکارشناسانه، و شتابزده بوده است. سیاست‌های اعمال شده بعد از دهه‌ی ۱۳۴۰ ش، عملا موجب ایجاد، تقویت و تشدید بحران آب شده است. دنباله‌ی آن سیاست‌ها در قالبی دیگر، بعد از انقلاب هم دیده می‌شود. سیاست صنعتی‌سازی کشور که از جمله محورهای اصلی سیاست‌های رژیم گذشته بعد از اصلاحات ارضی بود، به همراه چندین سیاست دیگر، پیامدها و آثار متعدد و ماندگاری، نه تنها در حوزه‌ی آب بلکه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برجای گذاشت. اول اینکه اصلاحات ارضی موجب مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ به ویژه تهران شد؛ در نتیجه آسیب‌های متعدد اجتماعی در کلانشهرها و کم‌رنگ شدن هویت زندگی و کار روستایی به وجود آمد؛ به طوری که کشت سنتی ایرانیان که مبتنی بر همکاری بود، آسیب جدی دید و بسیاری از قنات‌ها و آبخوان‌هایی که برای سالیان متمادی منبع اصلی آبیاری نظام‌های کشت ایران بود، از بین رفت. دوم اینکه در طرف دیگر، شاهد رشد کارخانه‌ها و صنایعی هستیم که هر روز نیاز جدی به آب پیدا می‌کردند و حتی بسیاری از صنایع توجیه اقتصادی احداث و تأسیس نیز نداشتند، لیکن به علت سیاست رژیم گذشته بسیاری از این صنایع به رغم آب‌بر بودن، احداث شدند که از جمله‌ی آنها می‌توان صنایع فولاد را نام برد. سوم اینکه افزایش و رشد گسترش جمعیت شهرنشین، از یک سو، و منافع صنایع و شرکت‌های سلساز (با تبلیغ این شرکت‌ها در زمینه‌ی کمبود آب) از سوی دیگر، باعث شد دولت سدهای متعددی احداث کند که این سیاست بعد از انقلاب نیز تشدید شد. نداشتن توجیه اجتماعی چنین سدهایی و نیز بی‌توجهی به وضعیت جامعه‌ی بومی ساکن، عملا راه کارگزاران فنی و مهندسی را به عرصه‌ی سیاست-گذاری باز کرد و آنها در کنار دولت به عنوان ذی‌نفعان آب شناخته شدند که همراه با دولت بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، و حتی حقوقی پروژه‌ها را تعیین می‌کردند (البته اگر برای آب، حقوقی تصور کنیم). بعد از انقلاب هم، به‌ویژه از برنامه‌ی اول توسعه، روند سیاست‌گذاری نامناسب در حوزه‌ی آب تشدید شد؛ به طوری که پیامدهای کنونی سدهای و سیاست‌های توزیع نامناسب آب که از برنامه‌ی اول کلید خورده بود، در سال‌های اخیر آشکار شده است (Afsari et al., 2017). بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند بحران آب موجود در کشور بیشتر از آن که به کمبود آب مرتبط باشد به عدم مدیریت آب و کم‌رنگ بودن نقش حکمرانی آب در ایران مربوط است. مساله کمبود آب در ایران به شکلی بحرانی، جدی و فراگیر شده است که نه تنها از حالت تخصصی خارج شده، بلکه از زبان طبقات مختلف مردم و مسئولان شنیده می‌شود و موردی است که اقتصاد پرریسک، اجتماع، محیط زیست فراموش شده، کشاورزی و بسیاری از بخش‌ها را درگیر کرده است. این بخش‌ها با

تصمیمات مدیریتی ضعیف در مورد آب، نقشه‌های ضعیف و سیاست‌گذاری‌های نادرست بدتر خواهد شد (Dehghani et al., 2020).

۳- حکمرانی آب

امروزه نظام حکمرانی آب هم در کشورهای درحال توسعه و هم توسعه یافته با مشکلاتی روبرو است. در کشورهای درحال توسعه فساد، فقدان جامعه مدنی، و ناکارایی ساختار اداری و در مقابل، در کشورهای صنعتی و توسعه یافته نیز الگوی مصرف ناپایدار، تسلط اقتصاد بر محیط زیست، و استفاده‌ی بیش از حد از منابع، حکمفرما است. با وجود اهمیت حکمرانی آب، توافقی چندانی در زمینه تعریف و نحوه اندازه‌گیری آن وجود ندارد و تعریف‌های مختلفی از حکمرانی ارائه شده است. مدیریت حکمرانی منابع آب، دو مقوله‌ی متفاوت هستند. مدیریت آب به فعالیت‌هایی مانند تحلیل، نظارت، توسعه، و اقدامات لازم برای حفظ منابع آب در یک محدوده‌ی مشخص، در حالیکه حکمرانی آب به فعالان و شبکه‌های مختلفی که به تدوین، نظام‌مند کردن و اجرای سیاست‌های آب کمک می‌کنند، اطلاق می‌شود. علاوه بر این، حکمرانی، جنبه‌های کلان و راهبردی اداره‌ی منابع آب را دربرمی‌گیرد، در حالیکه مدیریت آب با مقوله‌های مستمر و اجرایی‌تر سروکار دارد (Yousefi et al., 2017). "حکمرانی آب" اصطلاحی است که در دو دهه‌ی اخیر راه خود را به مکالمات معمول میان کارشناسان و افراد دانشگاهی فعال در حوزه‌ی آب باز کرده است. این واژه بیانگر تغییر در مناسبات دولت - جامعه در کشورهایی است که مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مرتبط با مدیریت آب و خدمات آبی آن را به شکل اساسی افزایش و توسعه داده‌اند. حکمرانی آب به همی فعالیت‌ها و نظام‌هایی اطلاق می‌شود که در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره‌ی توسعه و مدیریت منابع آب نقش دارند. ماهیت اصلی حکمرانی آب سیاسی است و مشخص می‌کند چه کسی تا چه اندازه در استفاده از منابع آبی محق است. امروز، حضور فعالان غیردولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی در مدیریت آب، تخصیص منابع و مدیریت خدمات مرتبط آبی، افزایش چشمگیری یافته است. شرکت جهانی آب دو مجموعه‌ی کلی از اصولی ارائه داد که حاکمیت مؤثر آب را پشتیبانی می‌کند: اول اینکه رویکردهای حاکمیت آب باید شفاف، فراگیر، منصفانه، منسجم و یکپارچه باشد؛ دوم اینکه عملیات یا اجرای حاکمیت آب باید پاسخگو، کارا، مسئول و پایدار باشد. بنابراین، می‌توان گفت حکمرانی آب شامل نظام‌هایی است که کنترل تصمیم‌سازی‌ها با توجه به توسعه و مدیریت منابع را برعهده دارند. پس، بیشتر در مورد روش تصمیمات اتخاذشده از قبیل: چگونه؟ با چه کسی؟ تحت چه شرایطی؟ است. از طرف دیگر، حکمرانی آب روشی است در قوانین و مسئولیت‌هایی (طرح، ترتیبات و اجرا) که در مدیریت آب به کار گرفته می‌شوند و به‌طور وسیع‌تر نیز شامل نهادهای رسمی و غیررسمی است که به واسطه‌ی اقتدار عمل می‌کنند. ارکان عمومی حکمرانی که براساس چهارچوب‌های متفاوتی ترکیب و تدوین شده‌اند، از این قرار است:

- مشروعیت از اقتدار سازمانی به حاکمیت
- شفافیت در فرایند تصمیم‌سازی
- پاسخ‌گویی کنش‌گران و مسئولیت‌های آنان
- فراگیری سهامداران، ذی‌نفعان با سلیق و علائق متفاوت
- عدالت در توزیع خدمات یا اختصاص مصارف
- یکپارچگی سیاست‌گذاری آب در سطوح افقی و عمودی
- ظرفیت سازمان‌ها و افراد مدیریت کننده‌ی آب
- سازگاری با شرایط متغیر (Afsari et al., 2017).

۴- حکمرانی خوب و شاخص‌های آن

برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی را نظامی از ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌ها تعریف می‌کند که جامعه، مسایل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند (UNDP, 2008).

بارنارد (۱۹۳۸) معتقد است که وظیفه مدیر ایجاد انگیزه در کارکنان و کمک به آنها است تا منابع موردنیاز را برای انجام وظایف روزمره‌شان داشته باشند. سایمون در اثر خویش با عنوان "رفتار اداری" به تعادل نقش‌های ذی‌نفعان می‌پردازد و رسالت مدیر سازمان را برقراری تعادل میان ذی‌نفعان می‌داند. سرمنشأ دیدگاه حکمرانی خوب را می‌توان در اندیشه‌های چستر بارنارد یافت. از دیدگاه بارنارد راه‌حل بسیاری از مسائل اجتماعی مستلزم همکاری و مشارکت شبکه‌ای از بازیگران سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مردمی است. حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است که در سال ۱۹۹۰ از سوی نهادهای بین‌المللی مطرح شده و در سایه حمایت سازمان ملل بسط و توسعه یافت. این آموزه با تأکید بر توانمندسازی دولت، معیارها و اصول حکومت‌داری که دولت‌ها از طریق آنها به اداره امور عمومی و تضمین حقوق بشر می‌پردازند را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقای تساوی افراد در برابر قانون.

در سال‌های اخیر بانک جهانی به کمک دپارتمان توسعه بین‌المللی در انگلستان، شاخص‌های حکمرانی خوب را بازنگری کرده‌اند. این بازنگری براساس معیارهایی مانند، سطح پذیرش دولت‌ها، کیفیت، پوشش داده‌ها و ارتباط بین این شاخص‌ها با نتیجه‌ی بدست آمده از توسعه تأکید دارد و به دنبال توسعه‌ی شاخص‌های کمی، قابل پذیرش سیاسی و مرتبط با خط‌مشی است:

۱. پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر: مقصود از این شاخص، میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. معیارهای بیانگر این شاخص، آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکل‌ها، اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. همچنین براساس این شاخص هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکمه داشته باشند و یا اینکه نقش احزاب، تشکل‌ها، انجمن‌ها و رسانه‌های جمعی و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد، گویای حکمرانی خوب در یک کشور است.

۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت: این شاخص بیانگر آن است که یک حکومت و نظام سیاسی چه میزان احتمال دارد از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون حضور گروه‌های تروریستی و بروز خشونت‌های سیاسی از جمله معیارهای اساسی ثبات و یا عدم ثبات سیاسی هستند. براساس این شاخص، هرچه احتمال حضور گروه‌های تروریستی و خشونت‌های سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، احتمال بی‌ثباتی سیاسی در کشور نیز بیشتر است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند در حالیکه هرچه عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی حکمرانی ضعیف است.

۳. اثربخشی دولت: در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط-مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است.

۴. کیفیت تنظیم کنندگی: منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظاماتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هرچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظامات مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خواهیم بود.

۵. حاکمیت قانون: اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به ویژه کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس، محاکم قضایی و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مدنظر است. اگر پس از انعقاد یک قرارداد نتوان چندان به اجرای آن امید داشت و جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است.

۶. مهار فساد: آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. براساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است. این شش شاخص براساس گزارشی است که سه اقتصاددان برجسته بانک جهانی، یعنی کافمن، کری و ماستروزی در سال ۲۰۰۶ ارائه داده‌اند و اصولاً بانک جهانی از ابتدا تاکنون در گزارش‌های خود درباره حکمرانی خوب و مقایسه وضعیت آن در کشورهای مختلف همین شش شاخص را ذکر کرده و مدنظر داشته است.

موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه‌ی انسانی پایدار مطرح شده و در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه‌ی زنان تأکید می‌شود، که همه‌ی این‌ها با حکمرانی خوب امکان تحقق می‌یابد. همچنین حکمرانی خوب شامل طیف وسیعی از ساخت مفاهیمی مانند توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی روستایی و شهری، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد مشارکتی و شفافیت و به موازات ویژگی‌های غالب استراتژی‌های اجرای خط‌مشی و برنامه‌ریزی‌هاست. حکمرانی دارای سه بعد یا رکن اقتصادی، سیاسی و اداری است. بعد اقتصادی شامل فرایندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اقتصاد کشورهای دیگر در ارتباط است. بعد سیاسی همان فرایندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌هاست و بعد اداری، همان سیستم اجرای خط‌مشی‌هاست. (Khosravipour, 2023).

۵- زاینده‌رود و ضرورت بازنگری در حکمرانی آب

رودخانه‌ی زاینده‌رود، از پای زردکوه بختیاری و هفت تنان و شعب آن‌ها در منطقه‌ی شوراب تنگ گزی از توابع استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از جذب آب‌های جاری بخش‌هایی از مناطق فریدن و فریدونشهر از استان اصفهان، به سمت شهر اصفهان و در نهایت مرداب گاوخونی، در طول مسیری حدوداً ۳۶۰ کیلومتری، از جنوب غربی به سمت مشرق جریان می‌یابد (شکل ۱). حدود یک سوم طول این مسیر، آب‌گیر و دو سوم آن آب‌خور رودخانه است. رودخانه‌ی زاینده‌رود را می‌توان از گروه رودخانه‌های تمدن‌ساز دانست، چراکه وجود تپه‌های باستانی و شکل‌گیری هسته‌ی زرتشتی - ساسانی اصفهان در جوار آن، زاینده‌رود را به یکی از گهواره‌های تمدن ایران بدل ساخته است. از سوی دیگر و با بررسی نقشه‌های تاریخی اصفهان مشخص می‌شود که تقریباً تا عصر صفوی این رودخانه نقش خندق و حصار جنوبی شهر را ایفا می‌کرده و با ساخت باغ‌ها و پل‌های صفوی رفته رفته رودخانه از مرز طبیعی - دفاعی به یک رودخانه شهری بدل شده است.

با خوانش سند مربوط به توزیع حقبه‌ی رودخانه‌ی زاینده‌رود - مشهور به طومار شیخ بهایی - مربوط به سال ۹۲۳ هجری قمری استنتاج می‌شود که از ۲۷۵ حقبه‌ی رودخانه، سهم اصفهان از طریق ۹ نهر اصلی (مادی) و شعب آن‌ها در سطح شهر توزیع می‌شده است و با توسعه‌ی این شبکه در عصر صفوی، اصفهان به صورت یک باغشهر درآمد و به یکی از برجسته‌ترین سکونتگاه‌های شهری خاورمیانه بدل شده است (Saberi & Mansouri, 2021). زاینده‌رود از اواسط دهه ۱۳۸۰ طی دوره‌های متناوب، جریان دائمی خود را در کل مسیر شهر اصفهان از دست داده است و این وضعیت، سبب بروز مشکلات امنیتی، اجتماعی، و سیاسی فراوانی بین استان‌های بهره‌بردار شده است (Talebi Somesarai et al., 2019). درحالی‌که برخی با استناد به کاهش نزولات جوی در تلاش هستند تا ریشه‌ی این بحران را در اقلیم خشک اصفهان جستجو نمایند، برخی دیگر با استناد به شواهد تاریخی معتقدند که مشکل آب در حوضه‌ی زاینده‌رود مشکل جدیدی نیست و پیگیری و مدیریت آن حداقل در دوران صفویه که شیخ بهایی مأمور اجرای طرح انتقال آب می‌شود، گویای ثبات شرایط اقلیمی خشک و کم بارش این حوضه بوده است. رودخانه‌ی زاینده‌رود به عنوان تنها رودخانه مهم و دائمی در فلات مرکزی ایران، محور توسعه در این منطقه از کشور بوده که بر اثر فشار ناشی از استفاده در بخش‌های کشاورزی، صنایع و شرب، به رودخانه‌ای غیردائم و فصلی تبدیل شده و با تاثیری که بر تالاب گاوخونی داشته، منجر به تشدید کانون گرد و غبار در فلات مرکزی شده است. همچنین در سال‌های اخیر با افزایش مصرف آب در بخش شرب و صنعت و نیز انتقال آب به شهرهای خارج از حوضه زاینده‌رود مانند یزد، کاشان، نایین و ... و برداشت‌های غیرقانونی که در فواصل پس از خروجی سد زاینده رود، صورت گرفته، آب اختصاصی به اراضی کشاورزی کاهش یافته و متعاقب آن، رودخانه نیز تقریباً بصورت مداوم خشک شده و آب زاینده‌رود و تونل اول کوهرنگ که از نظر قانونی متعلق به حقبه‌داران بود، به مصارفی که حتی از این آب نداشته‌اند، اختصاص یافته است. لذا توزیع عادلانه و پایدار آب در این حوضه باتوجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی، همواره چالشی اساسی بوده و به همین دلیل قواعد تخصیص برای منابع باارزش آب در این حوضه از حدود ۵۰۰ سال پیش توسعه یافته است که به احتمال زیاد، از اولین قواعد شکل گرفته از این نوع در ایران است. باید گفت بحران آب در حوضه‌ی زاینده‌رود، یکی از مهم‌ترین موضوعات فعلی است که در صورت بی‌توجهی به آن در سایه‌ی نبود آینده‌نگری و تدبیر، شاهد بروز مشکلات زیادی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی حتی در ابعاد ملی خواهیم بود. موضوعی که در سایه‌ی سیاست‌گذاری غلط یا عدم قرار گرفتن در دستور کار سیاست‌گذاری و عدم اجرای سیاست‌های اتخاذ شده و نیز عدم نظارت بر حسن اجرای آن‌ها موجب خسارت‌های بسیاری به‌ویژه به بهره‌برداران و ذی‌نفعان این حوزه شده است. تمامی این تعاریف موید تاثیر مدیریت منابع آب بر طیف گسترده‌ای از موضوعات اجتماعی و لزوم اتخاذ سیاست‌های مناسب در این زمینه است که می‌توان راهکار برون رفت از این بحران را در چارچوب اندیشه حکمرانی یافت (Zakeri Mahabadi et al., 2019).

با ایجاد شکاف‌هایی در حکمرانی آب حوضه آبریز زاینده‌رود که با بارگزاری‌های بیش از اندازه و غیرمنطقی و کارشناسی نشده انتقال آب از حوضه به دیگر حوضه‌ها همراه بوده و علاوه بر این با استقرار و رشد صنایع آب بر در کنار کشت محصولات پرآب در منطقه که هر کدام دلیلی موجه برای حاکمیت یک وضعیت بحرانی حکمرانی آب در حوضه زاینده‌رود هستند، سبب شده تا گذر آب طی دوره‌های متناوبی که از بستر زاینده‌رود می‌گذرد و در مواردی با کش و قوس‌های زیادی همراه بوده است؛ به "جنگ آب" ختم شود. با توجه به مسائل و مشکلات پیش‌روی حوضه آبریز زاینده‌رود و وضعیت منابع و مصارف آب در حوضه بر پایه اطلاعات و آمارهای موجود، هر گونه بارگذاری طرح‌های جدید انتقال آب در حوضه به منزله‌ی یک حکمرانی ضعیف بوده که منجر به تشدید بحران آب و افزودن بر دامنه ضعف‌ها و تهدیدات بررسی شده است. بنابراین، تبیین ضرورت انتقال آب از حوضه‌های پرآب نظیر منبع دائمی و پایدار آب از حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان به حوضه زاینده‌رود و همچنین انتقال آب از حوضه آبریز کارون بزرگ به استان‌های واقع در حوضه آبریز زاینده‌رود

برای مهار تهدیدات و چالش‌های پیش آمده در ابعاد زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی یک استراتژی مهم تلقی شده است. لذا بارگذاری طرح‌های جدید انتقال آب از حوضه زاینده‌رود (مبدأ) به حوضه‌های مجاور به شدت مورد نقد واقع می‌شود که ملزم به یک بازنگری اساسی در نحوه حکمرانی آب حوضه است. در نهایت می‌توان ادعا نمود که هرگونه توسعه و بارگذاری طرح‌های جدید انتقال آب در حوضه زاینده‌رود منوط به وارد شدن به مرحله‌ی جدیدی از مدیریت و حکمرانی آب در حوضه آبریز زاینده‌رود بوده که با بروز خشکسالی‌ها طی چند دهه اخیر، برداشت‌های بی‌رویه آب در بالادست حوضه، توسعه طرح‌های انتقال آب از حوضه به استان‌های یزد و کاشان، عدم مکانیزه بودن کشاورزی و به شیوه غرقابی، کشت محصولات پرآب در برخی از مناطق حوضه، توسعه باغات در استان چهارمحال و بختیاری، افزایش دما در سطح زمین و... از عمده‌ترین مسائل و مشکلات این حوضه به شمار می‌روند که بر پتانسیل وقوع جنگ آب در ارتباط با شیوه حکمرانی آب در حوضه زاینده‌رود افزوده است. (Yousefi Shatori., 2022).

در واقع علت ریشه‌ای پیدایش مسائل فعلی در حوضه گاوخونی (زاینده‌رود) بر هم خوردن نظم زمانی و مکانی تسهیم آب رودخانه و تبدیل آن به نظام تخصیصی با حکمرانی آمرانه است که باعث افزایش تدریجی ولی عمیق شکاف منابع - مصارف این حوضه شده است. اتصال استان یزد به این حوضه آبریز (خط لوله انتقال آب یزد) به در هم تنیدگی مسائل آب زاینده‌رود افزوده است و ذی‌مدخلان در دو استان اصفهان و یزد که روابط تجاری و فرهنگی دیرینه‌ای داشتند دچار اختلاف و تضاد منافع شدند. با اشتباهات پی در پی و تلاش‌های مشکل‌دار، به نظر می‌رسد تنش‌های هیدروسیستم حوضه زاینده‌رود به نقطه اوج خود رسیده است. چنین درهم آمیختگی، پیچیدگی و شبکه‌ای از بازیگران مختلف منجر به تنش و التهاب، حداقل بین سه استان کشور گشته است. (Fasihi Harandi, 2018).

شکل ۱. شمای کلی از حوضه‌ی آبریز زاینده رود (Safavi & Rastghalam, 2016)



Fig 1. An overview of the Zayandeh River watershed (Safavi & Rastghalam, 2016)

۶- بررسی تاثیر اصول حکمرانی خوب در مدیریت منابع آب زاینده رود

تعاریف متعددی برای حکمرانی در حوزه‌های مختلف ارائه شده است اما آنچه بین این تعاریف مشترک است، ضرورت وجود بازیگران و ساختارهایی به منظور تدوین و اجرای سیاست‌ها است. حکمرانی آب به کلیه فعالیت‌ها و نظام‌هایی اطلاق می‌شود که در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری برای توسعه و مدیریت منابع آب نقش دارند. حکمرانی خوب به نوعی از حکمرانی اطلاق می‌شود که در آن رفاه عمومی و حقوق فردی به صورت توأمان تأمین و تضمین شوند. حکمرانی خوب دارای شاخص‌هایی از قبیل حاکمیت قانون، مشارکت، اجماع محوری، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری است. شاخص‌های حکمرانی خوب، به عنوان پایه‌های اساسی مورد نیاز در ارزیابی وضعیت حکمرانی آب در هر منطقه به شمار می‌روند. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت در اجرای سیاست‌های آبی اخذشده در نقاط مختلف دنیا (از جمله ایران)، عدم توجه به تجربیات چند هزارساله‌ای است که از متن و بطن شرایط اقلیمی و فرهنگی این کشورها برخاسته است. حکمرانی آب، برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی در دومین مجمع جهانی آب در سطح بین‌المللی مطرح شد. به منظور تبیین جایگاه حکمرانی در فرآیند مدیریت منابع آب، بر این مطلب تأکید می‌شود که فرآیند مدیریت منابع آب در فضایی تهی انجام نمی‌شود بلکه نیازمند بستری با عنوان حکمرانی آب است (Sadeghzadeh Bafandeh et al., 2019).

برنامه اصلی ستاد احیای حوضه زاینده‌رود برای دستیابی به هدف خود بازتعریف "نظام حکمرانی آب حوضه آبریز زاینده-رود (گاوخونی)" و استقرار این نظام در جهت بازگرداندن پایداری آبی به حوضه است که طبیعتاً در صورت اجرا، موجب تحقق مواردی از قبیل کاهش تنش‌های اجتماعی موجود در حوضه، جاری شدن همیشگی آب در رودخانه و ... خواهد شد. اگر کلیدی‌ترین مساله موجود در حوضه در ارتباط با آب را افزایش شکاف بین منابع و مصارف حوضه و به عبارتی کاهش پایداری حوضه در زمینه منابع آب بدانیم (که مظاهر خود را در خشک شدن دائمی رودخانه زاینده‌رود، افزایش تنش‌های اجتماعی بر سر برداشت و دسترسی به آب و منابع سطحی و زیرزمینی، بیکاری و فقر شدید در جوامع پیرامونی، خشکی تالاب گاوخونی و ... نشان داده است)، ارائه هرگونه برنامه‌ای برای ستاد احیای حوضه زاینده‌رود نیازمند شناسایی علت ریشه‌ای موثر بر پیدایش وضعیت کنونی است که البته در این مورد کارها و مطالعات زیاد ولی پراکنده (و البته غیر همراستا) انجام شده است. در دیگرام زیر روند تغییر و شکست حکمرانی تشریح شده است و در ادامه به‌طور خلاصه به این علت(های) ریشه‌ای اشاره می‌شود. علت ریشه‌ای پیدایش مسائل فعلی در حوضه گاوخونی (زاینده‌رود)؛ استقرار یک نظام حکمرانی آمرانه و ناکارآمد که مشخصاً از اواسط دهه ۴۰ (همزمان با تصویب قانون ملی شدن آب و اجرای اصل چهارم) به وجود آمده است. این نظام موجب تغییر تدریجی نظم زمانی و مکانی تسهیم آب رودخانه و تبدیل آن به یک نظام تخصیصی (دستوری از بالا به پایین) شده است. این منش حکمرانی آب باعث افزایش تدریجی ولی عمیق شکاف منابع - مصارف حوضه و مسائل متعاقب آن شده است. ایجاد تغییر در نقش دولت به عنوان جزئی از بازتعریف نظام حکمرانی آب حوضه زاینده‌رود برای گذر از مرحله "بی‌دولتی" فعلی که یک دولت دستور دهنده و کنترل کننده است، حیاتی است. وظیفه ذاتی دولت تسهیل‌گری و تنظیم‌گری است تا اعتماد از دست رفته اجتماعی و رشد اقتصادی را در بالادست و پایین دست با ایجاد ارزش جایگزین بازگرداند. این "کلید" حل مساله زاینده‌رود است. اگر مسائلی همچون تفکر تمرکزگرایی در نظام سیاسی کشور، فساد سیستماتیک، مسابقه برداشت از منابع، تحریم، نفتی بودن دولت، اقتصاد بسته و ... سایه سنگینی بر این دو موضوع دارند، ولی با توجه به مزیت‌ها و ظرفیت‌های حوضه زاینده‌رود، باید به صورت محلی به این دو موضوع پرداخت و برای آن‌ها راه‌حل پیدا کرد. با درس آموزی از تجارب گذشته می‌توان پیشبینی کرد که موفقیت ستاد احیای حوضه زاینده‌رود در گرو این موضوع است که بتواند رویکرد و گفت‌وگوهای جدیدی برای نگاه به مسائل و راهکارهای حوضه زاینده‌رود ارائه دهد و ذی‌نفعان مختلف را حول رویکرد جدید همراه کند تا به شکلی منسجم برای حل مساله زاینده‌رود گام بردارند (شکل ۲) (Fasihi Harandi, 2018).

شکل ۲. روند تغییر و شکست حکمرانی (Fasihi Harandi, 2018)

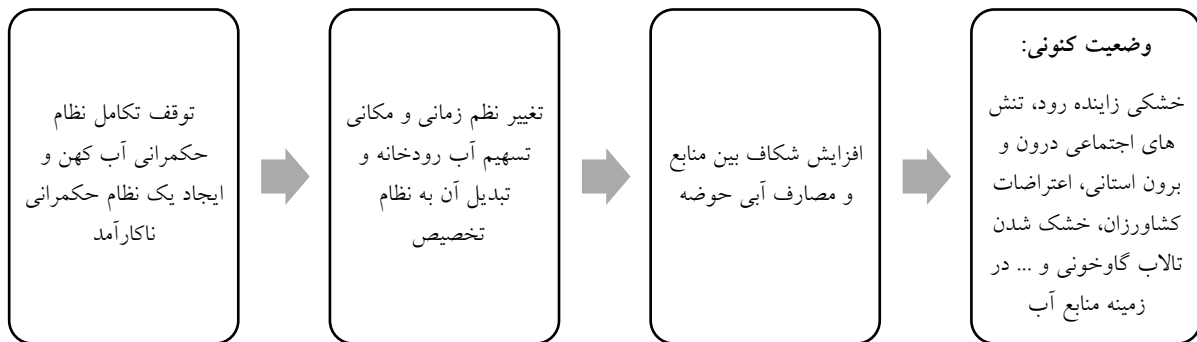


Fig 2. The process of governance change and failure (Fasihi Harandi, 2018)

۷- پتانسیل‌های حوضه زاینده‌رود برای حل مساله:

در این بخش به برخی پتانسیل‌ها در حوضه اشاره می‌شود که "امید" برای حل مساله را به میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد. زاینده‌رود با مسائل درهم تنیده سیاسی- اجتماعی و فنی روبروست. لذا حتی تعریف مساله سال به سال تغییر می‌کند، اما این حوضه مزیت‌ها و پتانسیل‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند دستیابی به راهکارها را تسهیل نماید:

- مصائب اجتماعی کنونی و سال‌های گذشته باعث شده برخلاف برخی از مناطق کشور، بسیاری از ذی‌مدخلان، احیای حوضه آبریز را مساله خود نیز بدانند و برای حل آن انگیزه مشارکت داشته باشند.
- گروه‌های اصلی درگیر در مساله زاینده‌رود سازمان یافتگی نسبتاً خوبی داشته و نمایندگان آن‌ها به نسبت مورد تایید اعضای جامعه هستند. حضور این نمایندگان (مخصوصاً نمایندگان صنف کشاورزان) کمک خواهد کرد توافق جمعی راحت‌تر و مسائل سریع‌تر در مسیر حل قرار بگیرند.
- حوضه آبریز زاینده‌رود به لحاظ اقتصادی توسعه یافته است و ظرفیت‌های بیشتری نسبت به سایر مناطق کشور برای خلق فرصت‌های توسعه اقتصادی کم آب بر خواهد داشت.
- به دلیل آثار منفی خشکی رودخانه بر کیفیت زیست در شهر اصفهان، برخلاف بسیاری از حوضه‌های دیگر، جامعه شهری نیز در کنار جامعه روستایی مطالبه‌گر احیا هستند و در این راستا ظرفیت بیشتری برای همکاری و مشارکت وجود دارند.
- مطالعات بسیاری در حوضه زاینده‌رود برای حل مساله انجام شده است، تشکیل ستاد می‌تواند سنتز این مطالعات و اقدامات پراکنده را به خوبی انجام دهد (Fasihi Harandi, 2018).

نتایج مطالعه‌ی (Yousefi et al. (2017 با عنوان "پایداری نظام‌های حکمرانی آب حوضه زاینده‌رود در گذر توسعه" نشان داده که در نظام حکمرانی فعلی آب، اصول هشتگانه‌ی عدالت، اثربخشی و بازدهی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌دهی، انسجام، مشارکت، و حاکمیت قانون در شرایط مطلوبی نیست. مشکلات بحران آب در ایران از جمله در حوضه‌ی زاینده‌رود، از نوع بدخیم هستند که ابزارهای مهندسی و سخت‌افزاری مبتنی بر رویکرد خطی، چندان پاسخ‌گوی این چالش‌ها نخواهد بود. ارزیابی مؤلفه‌های هشتگانه‌ی حکمرانی نیز نشان داد که سطح پایداری شرایط فعلی بسیار ناپایدار تا ناپایدار است و بحران فعلی، ناشی از حکمرانی ناکارآمد و مدیریت نادرست منابع آب بوده و عواملی مانند بخشی‌نگری، بودجه‌ریزی نادرست، عدم کفایت نهادها

و سازمان‌های مرتبط و عدم مشارکت بهره‌برداران یا نقش آفرینان، از جمله موانع دستیابی به مدیریت پایدار منابع آب در این حوزه هستند. با توجه به قوانین و ساختار برنامه‌ریزی بالا به پایین در کشور، در حال حاضر ساز و کار تخصیص آب در کشور به صورت دستوری و دولتی است. علاوه بر این، مشترک بودن این حوزه بین دو استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری و مدیریت استانی حوزه‌ی مشترک، منجر به ایجاد تعارض و در مواردی، کشمکش است. پیچیدگی نظام‌های منابع آب، حتمی و قطعی نبودن مقادیر عرضه‌ی آب، ناهمگونی و پویایی‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین تغییرات اقلیمی، دلالت بر این دارند که شیوه‌ی حکمرانی جاری، چندان پاسخ‌گوی تعارض در شرایط فعلی نیست؛ بنابراین، تحول در ساختار حکمرانی آب برای دستیابی به یک شیوه‌ی مدیریتی سازگار، منعطف، و متناسب، ضروری است (Yousefi et al., 2017).

۸- نتیجه‌گیری

آب به عنوان ضروری‌ترین ماده‌ی حیاتبخش، پیش شرط رفاه و زندگی موجودات است و کمبود آن مسایل مختلفی مانند اختلافات قومی، درگیری‌های استانی، نارضایتی‌ها و ... را باعث شده و اقتصاد، اجتماع، محیط زیست فراموش شده، کشاورزی و سایر بخش‌ها را درگیر کرده است. وجود پیوند بین آب و توسعه، ضرورت پاسخ‌گویی به چالش‌ها و اصلاح ساختاری مدیریت منابع آب را گریزناپذیر ساخته است. چالش‌های متعددی به دلایل گوناگون در مدیریت منابع آب در سراسر دنیا از جمله کشور ایران به وجود آمده است، از جمله در خصوص رودخانه زاینده‌رود اصفهان که در دو دهه‌ی گذشته جریان دائمی خود را در کل مسیر از دست داده و بی توجهی به بحران آب در این حوضه موجب بروز پیامدهای منفی و همچنین خسارت‌های بسیاری به‌ویژه به بهره‌برداران و ذی‌نفعان این حوزه شده است.

بارگزاری طرح‌های انتقال آب از حوضه زاینده‌رود به دیگر حوضه‌ها و بسیاری دلایل ذکر شده در مقاله، هرکدام دلیلی موجه برای حاکمیت یک وضعیت بحرانی حکمرانی آب در این حوضه هستند. چاره‌ی بحران آب در شناخت ابعاد مختلف حکمرانی موجود و گذار به حکمرانی کارآمد، متناسب و سازگار با شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه نهفته است و راهکاری از پیش تعیین شده و نسخه‌ی واحد برای خروج از این شرایط وجود ندارد. در هر برهه‌ی تاریخی دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده‌اند و همیشه، چگونگی حکومت کردن مورد توجه اندیشمندان سیاسی، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حقوق عمومی بوده است. لزوم توجه به بازنگری اساسی در حکمرانی آب وجود دارد. حکمرانی آب به عنوان کلیه‌ی فعالیت‌ها و نظام‌هایی که در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری برای مدیریت منابع آب نقش دارد و همچنین حکمرانی خوب که به تضمین توانان رفاه عمومی و حقوق فردی می‌پردازد و دارای ابعاد هشتگانه‌ای است، به عنوان پایه‌های اساسی موردنیاز در ارزیابی وضعیت حکمرانی آب در هر منطقه به شمار می‌رود. نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این باورند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است. حکمرانی خوب نه تنها روایتی نواز مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی ایجاد می‌کند که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم دنبال شود. در واقع مطابق تحقیقات انجام شده علت ریشه‌ای پیدایش مسایل فعلی در حوضه‌ی گاوخونی (زاینده رود)، استقرار یک نظام حکمرانی آمرانه و ناکارآمد است که از اواسط دهه‌ی ۴۰ بوجود آمده است. ظرفیت‌های بیشماری در این حوضه وجود دارد که امید به حل مساله را افزایش داده است. در شرایط موجود متولیان امور آب باید راهکارهای قدیمی اداره منابع محدود آبی را کنار نهاده چراکه بحران آب در ایران خصوصا حوضه‌ی زاینده‌رود از نوع بدخیم هستند که ابزارهای مهندسی مبتنی بر رویکرد خطی پاسخگوی چالش‌های آن نیست و ضروری است به رویکردهایی که مبتنی بر مدیریت تقاضای آب هستند تغییر موضع

دهند که این امر از طریق تغییرات هدفمند در راستای استقرار نظام حکمرانی کارآمد شدنی است و به یک فهم مشترک از مشکل، اقدام جمعی ذی‌نفعان و یادگیری اجتماعی در عمل نیاز دارد.

نتایج مقاله حاضر با نتایج مقاله (Yousefi et al. (2017)، (Dehghani et al. (2020) و (Yadegari et al. (2018) همخوانی و مطابقت دارد. مطالعه‌ی (Yousefi et al. (2017) نشان داده که در نظام حکمرانی فعلی آب، اصول هشتگانه‌ی عدالت، اثربخشی و بازدهی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌دهی، انسجام، مشارکت، و حاکمیت قانون در شرایط مطلوبی نیست. مشکلات بحران آب در ایران از جمله در حوزه‌ی زاینده‌رود، از نوع بدخیم هستند که ابزارهای مهندسی و سخت‌افزاری مبتنی بر رویکرد خطی، چندان پاسخ‌گوی این چالش‌ها نخواهد بود. ارزیابی مؤلفه‌های هشتگانه‌ی حکمرانی نیز نشان داد که سطح پایداری شرایط فعلی بسیار ناپایدار تا ناپایدار است و بحران فعلی، ناشی از حکمرانی ناکارآمد و مدیریت نادرست منابع آب بوده و عواملی مانند بخشی‌نگری، بودجه‌ریزی نادرست، عدم کفایت نهادها و سازمان‌های مرتبط و عدم مشارکت بهره‌برداران یا نقش آفرینان، از جمله موانع دستیابی به مدیریت پایدار منابع آب در این حوزه هستند. نتایج مطالعه‌ی (et al. (2020) Dehghani بیان می‌دارد که ایران بیش از آنکه با مشکل کمبود آب مواجه باشد به دلیل حکمرانی بد، در شرایط بحرانی تامین و تقاضای آب قرار گرفته است. نتایج مطالعات (Yadegari et al. (2018) بیان داشته که شکاف نهادی حاکم بر بخش آب منجر به بروز مشکلاتی شده که از آن‌ها به عنوان "بحران حکمرانی آب" نام برده می‌شود.

لذا باتوجه به مطالب مطرح شده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- تاکید بر توجه به پتانسیل‌های منحصربفردی که در حوضه‌ی زاینده رود وجود دارد؛ چراکه باتوجه به اهمیت شاخص مشارکت افراد، و اینکه امروزه در میان گروه‌های اصلی درگیر در حل مسائل حوضه زاینده رود سازمان یافتگی قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود و نمایندگان آن‌ها از سوی اعضای جامعه موردتایید هستند، و اینکه برخلاف حوضه‌های دیگر، جامعه شهری در کنار جامعه‌ی روستایی مطالبه‌گر احیا هستند و ظرفیت بیشتری برای مشارکت و همکاری وجود دارد، به طور کلی امید به حل مشکلات بحران آب در حوزه‌ی زاینده رود نیز افزایش یافته است.
- از آنجا که باتوجه به نتایج تحقیقات، نظام حکمرانی تخصیصی یا آمرانه باعث پیدایش مسایل فعلی در حوضه‌ی زاینده رود شده است، تحول در ساختار حکمرانی آب برای دستیابی به یک شیوه‌ی مدیریتی سازگار، منعطف، و متناسب با شرایط حال حاضر حوضه‌ی زاینده رود توصیه می‌شود.
- توجه به بازنگری اساسی در نحوه حکمرانی آب حوضه‌ی زاینده رود و جلوگیری از بارگذاری طرح‌های جدید انتقال آب از حوضه زاینده‌رود (مبدأ) به حوضه‌های مجاور
- ایجاد تغییر در نقش دولت، تغییر نقش از دستوردهنده و کنترل کننده به تسهیلگری و تنظیم‌گری برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته‌ی اجتماعی و رشد اقتصادی
- تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی از سوی دولت که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی شود.
- باتوجه به توقف تکامل نظام حکمرانی آب کهن و ایجاد یک نظام حکمرانی ناکارآمد که پیامدهای منفی همچون خشک شدن دائمی رودخانه زاینده‌رود، افزایش تنش‌های اجتماعی بر سر برداشت و دسترسی به آب و منابع سطحی و زیرزمینی، بیکاری و فقر شدید در جوامع پیرامونی، خشکی تالاب گاوخونی و ... داشته است، اتخاذ رویکرد جدیدی در نگاه به مسائل و تلاش برای همراه ساختن ذی‌نفعان مختلف حول رویکرد جدید در جهت حل مشکلات فعلی پیشنهاد می‌شود.
- باتوجه به اینکه مطالعات حکمرانی آب در ایران در مراحل اولیه به سر می‌برد، انجام تحقیقات پژوهشی دانشگاهی آتی درباره موضوع موردنظر و ارزیابی سطح مؤلفه‌های هشتگانه‌ی حکمرانی آب بسیار بااهمیت و کاربردی می‌باشد.

۹- منابع

- Afsari, A., Haji Naseri, S., Fazeli, M., & Feirahi, D. (2018). A sociological examination of water governance in Lake Urmia crisis: Grounded theory model. *Strategic Studies of public policy*, 7(25), 53-72. (In Persian)
- Dehghani, S., BANIHABIB, M. E., & Golabi, M. R. (2020). Water governance in Iran: challenges and approaches. *Water Engineering*, 7(4), 238-254. (In Persian)
- Esmacili, M. M. (2020). Water supply crisis in Zayandehrud watershed; Social issues and solutions to manage it (Demonstrations of 2011 to 2014). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(3), 567-585. (In Persian)
- Fasihi Harandi, M. (2018). Zayandeh Rood (Gavkhoni) watershed revitalization headquarters program, (executive measures to redefine the water governance system). *Center for Presidential Strategic Studies*. (In Persian)
- Khosravipour, E. (2023). The effect of good governance on the flourishing of social capital. The 5th National Conference of Professional Researches in Psychology and Counseling from the Teacher's Point of View, Hormozgan University. (In Persian)
- Perghan, V., Yaghoobi, N. M., & Keikha, A. (2022). Identifying and prioritization of good governance effective factors focused on a sustained development approach. *Public Management Researches*, 15(55), 93-123.
- Saberi Nahreforouzani, A., & Mansouri, S. A. (2021). "New Zayanderood" investigation within the Zayandehrood stream recognition and examination it as a socio-ecological system. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 18(102), 101-114. (In Persian)
- Sadeghizadeh Bafandeh, S., Mirhashemi Dehkordi, S. S., & Mianabadi, H. (2019). Investigating principles of good governance in tacit knowledge of Qasabeh Gonabad Qanat. *Indigenous Knowledge*, 6(12), 503-533. (In Persian)
- Safavi, H. R., & Rastghalam, M. (2017). Solution to the water crisis in the Zayandehrud River basin; joint supply and demand management. *Iran-Water Resources Research*, 12(4), 12-22. (In Persian)
- Salmani, Z., Sharifi, A., & Farkish, H. (2022). Challenges of citizenship rights in the Iranian administrative system in light of good governance. *Culmination of Law*, 8(3), 199-229. (In Persian)
- Talebi, M., Zokaie, M., Fazeli, M., & Jomehpoor, M. (2019). Sociology of a crisis: The social pathology of the water crisis in the Zayandeh-Rood river basin. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 11(4), 133-165. (In Persian)
- UNDP (2008). UNDP, Human development report. Available at: <http://hdr.undp.org>.
- Yadegari, A., Yousefi, A., & Amini, A. M. (2018). Institutional analysis of water governance structure in Iran: A case of Zayande-Rood basin. *Iran-Water Resources Research*, 14(1), 184-197. (In Persian)
- Yousefi, A., Amini, A. M., Yadgari, A., & Fathi, A. (2017). Sustainability of Zayande-Rood's water governance regimes in the course of development. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 9(4), 23-48. (In Persian)
- Yousefi Shatori, M. (2022). The need to change the way of water governance in Zayandeh Rood. Geopolitics Media, Geopolitics Association of Iran. Available at: <https://iag.ir>. (In Persian)
- Zahiri, A. (2015). Ecological measurement of a fine governing model. *Political Science*, 17(66), 87-112. (In Persian)
- Zaker Mahabadi, E., Yazdani Zazerani, M. R., & Mohammadi Kangarani, H. (2022). Analyzing the casual factors of the crisis in the water policies of Zayandeh-Rud river basin; Case Study of Western Cities of Isfahan Province. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(1), 43-59. (In Persian)